

راه به جایی نخواهد برد.  
بانک و اقتصاد: خواهشمند است بفرمایید که اثر کاهش نرخ سود بر هزینه‌های اداری و عملیاتی بانک‌ها و افزایش کارکرد آنها چگونه است؟

**علی فتاحی:** از جمله مواردی که می‌خواستم راجع به آن بیشتر بحث شود، همین هزینه‌های عملیاتی است. من از کسانی هستم که معتقدم با توجه به هزینه‌های بانک‌ها، این طرح منجر به افزایش کارایی خواهد شد و مدیرانی که نمی‌توانند خود را با این وضع وفق دهند، کناره‌گیری می‌کنند و مدیران لایقتری جایگزین آنها خواهند شد، زیرا در واقع، این مدیر است که از طریق وفاق با طرح‌های جدید، سیستم بانکی را دچار تغییر و ترقی خواهد کرد. مدیری که نمی‌تواند با این سیستم سازگاری پیدا کند و هزینه‌های اداری خود را تعدیل کند، طبیعتاً از این صحنه حذف می‌شود و مدیر بهتری جایگزین می‌گردد. مدیران باید بتوانند با Spread کمتر، هزینه‌های اداری خود را بکاهند و این خود لیاقت مدیران نظام بانکی را آشکار خواهد کرد.

بانک و اقتصاد: از تمامی صاحب‌نظران ارجمندی که در این بحث شرکت کردند، سپاسگزاری می‌کنیم و امیدواریم که اینگونه تبادل افکار و نظریات، زمینه‌های مساعدتری را برای کاهش مشکلات و دستیابی به شرایط بهتر فراهم آورد. ■

سیاست‌های پولی تحت تأثیر سیاست‌های مالی قرار می‌گیرند. اصولاً تمام مشکلات اقتصادی ما به خاطر ماهیت دولتی آن است که در عرض این چندساله از طریق سیاست‌های قیمتی که به صورت دستوری انتخاب شده‌اند، در سه حوزه اداره شده‌اند. ما این مشکلات را همیشه داشته‌ایم.

مسلماً هر سیاست قیمتی که اعمال می‌شود، در نظام اقتصادی آزاد مورد تردید است. اما نظام اقتصادی ایران، شناخته شده نیست و تعریف واقعی از آن وجود ندارد که آیا حقیقتاً یک نظام دولتی است، یا نظامی است که می‌خواهد به سمت آزادسازی اقتصادی پیش برود. بنابراین، ما هنوز در یک سردرگمی به سر می‌بریم و نمی‌دانیم که در چه نظامی حرکت می‌کنیم. از سوی دیگر، دقیقاً وقتی مجلس چنین طرحی را می‌دهد، آن نظام اقتصادی تعریف شده وجود ندارد که بتوان در آن چارچوب بررسی کرد که این هدف موردی اصولاً چقدر کاربرد دارد؟ و چه منافعی در پی خواهد داشت؟ نظام اقتصادی ما به علت دولتی بودن، قدرت تحرک و تکامل ندارد و باید سیاست‌هایی اعمال شود که از این دولتی بودن به سوی سیاست‌های باز حرکت کند و آنوقت است که سیاست‌های مالی و پولی جواب خواهند داد. چون آنوقت نسخه‌های آن کاملاً روشن و مشخص است و در تمام دنیا هم قبلاً پیچیده شده است. بنابراین، ما هر ایده مترقی‌ای که داشته باشیم، باید در یک نظام مترقی اعمال شود و ایده مترقی در نظام غیرمترقی

## نرخ سود دستوری، نمانی و مطالعات فرسنگی

# عامل گریز از سرمایه گذاری و تولید

یونس سام‌دلیری، کارشناس ارشد اقتصاد

### مقدمه

اعتبارات، و فقدان مقررات اداری، در حالی که دسترسی به منابع مالی بازار رسمی همواره با برخی محدودیت‌ها و شرایط همراه است و دسترسی به آنها برای همه افراد یا بنگاه‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، بازارهای مالی و رسمی، از یک بازار پول و سرمایه کارآمد و پویا برای تجهیز و تخصیص بهینه منابع محروم هستند و فقدان تعادل‌های بودجه‌ای دولت،

در شکل‌گیری و گسترش ناهمگونی در بازارهای مالی، عوامل بیشماری دخالت دارند که بسته به شرایط و محیط، متفاوت هستند. عمده‌ترین این عوامل عبارتند از: سهولت دسترسی به بازار، انعطاف در نرخ سود، وثیقه و بازپرداخت، عدم‌زمان‌بری، امکان فرار مالیاتی، عدم نظارت بر مصرف

■ ■ ■  
در زمان‌هایی که نرخ بهره واقعی بانک‌ها منفی است، بازارهای غیررسمی به شدت گسترش می‌یابند.  
■ ■ ■

# آری نه

تخصیص غیربهبینه منابع، به همراه سهمیه‌بندی اعتباری، ارزیابی تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی، مداخلات دولت در زمینه تعیین نرخ سود و تحمیل تسهیلات تکلیفی به نظام بانکی، از جمله مواردی می‌باشند که بخش پولی اقتصاد را از انجام وظایف محوله بر اساس قانون پولی و بانکی کشور بازداشته‌اند و نیز وجود موانع مختلف و محدودیت‌های ساختاری ناظر بر نظام عملکردی و اجرایی اقتصاد، مانع از آن است که بازارهای مالی کشور، با تفکیک حوزه فعالیت و ارزیابی تعریف دقیق در مورد نقش و حیثه عمل فعالان بازار، در جهت افزایش کارایی و بهره‌مندی از نقش تخصصی موسسات و سازمان‌های سرمایه‌ای و بانک‌ها حرکت کنند. بدیهی است که این موانع، نه فقط باعث اختلال در بازارهای مالی شده‌اند، بلکه ساختار مالی بانک‌ها و موسسات سرمایه‌ای را به شکل نامطلوبی تحت تاثیر قرار داده‌اند.

اتخاذ سیاست‌های درست نرخ سود را می‌توان از جمله بحث‌انگیزترین راهبردهای یک برنامه تلقی کرد. اگرچه برنامه‌های آزادسازی مالی، حذف کنترل‌های نرخ سود و دستیابی به نرخ سود واقعی، اثر مثبت و غیرقابل‌انکاری بر روی سپرده‌های بانکی و اعتبارات اعطایی توسط نظام بانکی خواهد داشت، اما به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، توافقی در مورد بهترین راهبرد برای رسیدن به این مقاصد وجود ندارد.

آیا نرخ‌های سود بانکی باید به تدریج و یا در یک مدت کوتاه به طور ضربتی تعدیل شود؟ قبل از تعدیل نرخ‌های سود، چه شرایطی مورد نیاز است؟ آیا این سیاست‌ها برای کشور ما که دارای تورم دورقمی است، در مقایسه با کشورهای تورم پایین دارند، باید به صورت یکسان عمل شود؟ سیاست‌های مربوط به بانکداری، امور نظارتی و مقرراتی چه اهمیت و جایگاهی در این مجموعه (اقتصاد) دارند؟ بدون تردید لازم است که با به‌کارگیری ابزارهای پولی مناسب، موانع موجود در مسیر سپرده‌گذاری افراد، خانوارها و بنگاه‌ها حتی‌المقدور مرتفع شوند و زمینه‌های تشویق آنان بیش از پیش فراهم آید.

## ویژگی‌های بازارهای مالی در کشور

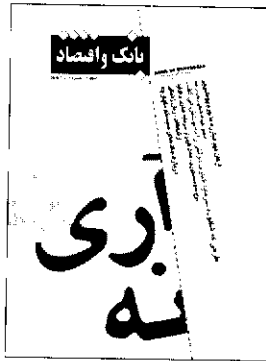
موانع و محدودیت‌های ورود به بازارهای مالی رسمی، که عمدتاً به علت عدم تناسب بخش مالی رسمی با بقیه اقتصاد برقرار می‌شود، عامل اصلی ایجاد دوگانگی و در نتیجه، شکل‌گیری نرخ‌های متفاوت سود در اقتصاد بشمار می‌آید. بنابراین، تفاوت میان عرضه و تقاضای وام در بازار رسمی (نظام بانکی) از یکسو، و نیز مقایسه اختلاف میان نرخ‌های سود در دو بخش رسمی و غیررسمی (بازارهای نامشکل مالی) از طرف دیگر، می‌تواند وجود و شدت ناهمگونی بازارهای مالی را به منصفه ظهور برساند. ناهمگونی بازارهای مالی زمانی بروز

می‌کند که نه تنها در نظام بانکی انواع نرخ‌های ترجیحی و انواع سهمیه‌های اعتباری (تسهیلات تکلیفی) اعمال شود، بلکه در بازارهای مالی غیررسمی نیز اختلاف فاحشی میان نرخ‌های توافق شده وجود داشته باشد. این اختلافات به علت تفاوت در هزینه مبادله هر قرارداد اعتباری، وجود قدرت‌های بازاری در بازارهای اعتباری محلی، اختلاف در نوع ارزیابی خدمات مالی و... است. نکته حایز اهمیت دیگری که در این ارتباط می‌توان اظهار داشت، این است که این بازارها نه تنها همگون نیستند، بلکه این ناهمگونی، در چند سال اخیر رو به تزیاید نیز بوده است، زیرا اختلاف میان نرخ‌های بازار رسمی و غیررسمی روز به روز فزاینده بوده و در نتیجه، شرایط رقابت در این گونه بازارها به نحو غیرقابل انکاری محدودتر شده است.

پیرامون علل شکل‌گیری و گسترش این ناهمگونی در بازارهای مالی، عوامل بی‌شماری قابل ذکرند و نیز عوامل ناهمگونی هم بسته به شرایط و محیط، متفاوت می‌باشند. عمده‌ترین این عوامل را می‌توان در مواردی همچون سهولت دسترسی به بازار، انعطاف در نرخ سود، وثیقه و بازپرداخت، عدم‌زمان‌بری، امکان فرار مالیاتی، عدم نظارت بر مصرف اعتبارات، فقدان مقررات اداری و... خلاصه کرد.

بازارهای غیررسمی، همواره سهل‌الوصول‌تر و نسبت به نرخ بهره منعطف‌ترند و از شرایط بازپرداخت قابل قبول‌تری برخوردارند، اما دسترسی به منابع مالی بازار رسمی همواره با برخی محدودیت‌ها و شرایط همراه است و دسترسی به آنها برای همه افراد یا بنگاه‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست. یکی از اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری بازار غیررسمی (از دیدگاه عرضه منابع مالی)، پایین بودن نرخ سود برای سپرده‌گذاران در بانک‌ها است. این امر باعث می‌شود تا آن بخش از سپرده‌گذارانی که مخاطره‌پذیرند، منابع مالی خود را به بخش غیررسمی انتقال دهند. این موضوع، به ویژه در شرایط تورمی (که گاهی نرخ سود حتی نمی‌تواند مقدار کاهش قدرت خرید سپرده‌ها را جبران کند) شدت می‌یابد. به نظر می‌رسد که در ایران، در شرایطی که نرخ سود واقعی بانک‌ها منفی بوده، فعالیت بازارهای غیررسمی گسترش فزونتری داشته است، زیرا در این بازارها، نرخ‌ها و شرایط بسیار متنوعی اعمال می‌شود و هر متقاضی بسته به امکاناتش، می‌تواند ترکیب‌های گوناگونی از نرخ سود، وثیقه و بازپرداخت را انتخاب کند. همچنین به علت اهمیت اعتبار و حیثیت فردی و شغلی در این گونه بازارها، بسیاری از متقاضیان می‌توانند بدون وثیقه به منابع مالی این بازارها دست یابند. عدم نظارت بر مصرف اعتبار و وام‌ها، عدم نیاز به آماده‌سازی قبلی پروژه‌ها و طرح‌ها، و عدم نیاز به پنهان‌کاری نیز از جاذبه‌های بازارهای غیررسمی هستند. برعکس، بازارهای رسمی گاه شرایط سخت و

■ ■ ■ امکان فرار مالیاتی یکی از عوامل مهم روی آوری به بازارهای غیررسمی است. این مساله، به ویژه در کشورهایی مانند ایران که فاقد نظام مالیاتی پیشرفته‌ای هستند، تاثیر مهمی بر گسترش بازار غیررسمی دارد. ■ ■ ■



محروم هستند و فقدان تعادل‌های بودجه‌ای دولت و تخصیص غیربهبوده منابع، به همراه سهمیه‌بندی اعتباری، آرایه تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی، مداخلات دولت و قوه مقننه در زمینه تعیین نرخ سود و تحمیل تسهیلات تکلیفی به نظام بانکی، از جمله مواردی هستند که بخش پولی اقتصاد را از انجام وظایف محوله بر اساس قانون پولی و بانکی کشور بازداشته‌اند.

رویه‌مرفته، وجود موانع مختلف و محدودیت‌های ساختاری ناظر بر نظام عملکردی و اجرایی اقتصاد مانع از آن است که بازارهای مالی کشور، با تفکیک حوزه فعالیت و آرایه تعریف دقیق نقش و حیطة عمل فعالان بازار، در جهت افزایش کارایی و بهره‌مندی از نقش تخصصی موسسات و سازمان‌های سرمایه‌ای و بانک‌ها حرکت کنند. بدیهی است که این موانع، نه فقط باعث اختلال در بازارهای مالی شده‌اند، بلکه ساختار مالی بانک‌ها و موسسات سرمایه‌ای را به شکل نامطلوبی تحت‌تاثیر قرار داده‌اند. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که تعداد بسیار زیادی از صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و شرکت‌های موازی فعال هستند. از سوی دیگر، وجود نرخ‌های اداری و سود بانکی پایین، نه فقط باعث ایجاد رانت اقتصادی در بازار شده، بلکه به علت منفی‌شدن نرخ سود واقعی سپرده‌ها، روند تجهیز پس‌اندازهای بخش خصوصی و منابع مالی مورد نیاز رشد و توسعه اقتصاد کشور را به طور معکوس تحت‌الشعاع قرار داده است.

### استراتژی‌های تعیین نرخ سود

اتخاذ سیاست‌های درست نرخ سود را می‌توان از بحث‌انگیزترین راهبردهای یک برنامه اقتصادی تلقی کرد. در حالی که برنامه‌های آزادسازی مالی، حذف کنترل‌های نرخ سود و دستیابی به نرخ سود واقعی، اثر مثبت و غیرقابل‌انکاری بر روی سپرده‌های بانکی و اعتبارات اعطایی توسط نظام بانکی خواهد داشت، اما به نظر می‌رسد که توافقی در مورد بهترین راهبرد رسیدن به این مقاصد وجود ندارد و در حالی که در این مجموعه سازوکار مناسبی برای دستیابی به نرخ‌های سود واقعی وجود ندارد، تجربیات بسیاری از کشورهای در حال توسعه بر اهمیت وضعیت اولیه اقتصادی، به خصوص وضعیت مالی بخش خصوصی و کیفیت مقررات وضع‌شده توسط سیاستگذاران اقتصادی تاکید می‌ورزند. باید توجه داشت که اتخاذ راهکار تعدیل نرخ سود بانکی در جهت افزایش نرخ‌ها، نباید به گونه‌ای باشد که به خصوص شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که با ریسک پایین فعالیت دارند، از گردونه فعالیت‌های اقتصادی خارج شوند و در بلندمدت موجب آرایه خدمات بانکی نامطلوب در اقتصاد شود.

پرهزینه‌ای را در این مورد اعمال می‌کنند که نرخ‌های سود پایین را بی‌اثر می‌کند.

اصولاً اعتبارات و تسهیلات پرداختی از سوی نظام بانکی، به سوی اهداف تولیدی جهت‌گیری شده‌اند، در حالی که بخش بزرگی از متقاضیان با اهداف تجاری و سفته‌بازی وام می‌گیرند. بنابراین، این گونه متقاضیان منابع مالی خود را از بازارهای غیررسمی تامین می‌کنند. امکان فرار مالیاتی نیز یکی از عوامل مهم روی‌آوری به بازارهای غیررسمی است. این مساله، به ویژه در کشورهایی مانند ایران که فاقد نظام مالیاتی پیشرفته‌ای هستند، تاثیر مهمی بر گسترش بازارهای غیررسمی دارد. به طور کلی، افزایش اختلاف میان این دو بازار می‌تواند ناشی از مخاطره کمبود سرمایه (عرضه) و سود انحصاری باشد.

اما از طرف دیگر نیز می‌توان بیشتر عوامل ناهمگونی را به موضوع هزینه مبادله تعمیم داد. مخاطره و ریسک به خودی خود یکی از اجزای هزینه مبادله است. همچنین کمبود سرمایه می‌تواند ناشی از کمی عرضه یا زیادی تقاضا باشد. هم عرضه و هم تقاضای سرمایه می‌توانند از وضعیت حقوق مالکیت تاثیر بپذیرند. عدم حفاظت کامل قانونی از حقوق مالکیت دارایی‌ها و توانایی‌های افراد و بنگاه‌ها، تفاوت عرضه و تقاضای سرمایه و تفاوت میان این بازارها را افزایش می‌دهد.

در ایران، بسترها و زمینه‌های لازم برای کارکرد و توسعه یک نظام مالی کارا فراهم نیست. شفاف نبودن حقوق مالکیت، وجود مقررات دست‌پاگیر، کمبود مقررات به منظور نظارت، حسابداری و حساب‌پذیری و انضباط مالی، فقدان اطلاعات صحیح و به‌هنگام در مورد متغیرهای مالی، وجود اغتشاش در نظام قیمت‌ها از جمله نرخ سود بانکی و نبود ابزار لازم برای تنظیم موثر بازار و همچنین وجود انحصارات متعدد موجب شده است که نظام مالی نقش کارایی در اقتصاد نداشته باشد و در نتیجه، موجب ایجاد مخاطره زیاد برای سرمایه‌گذاری‌ها، هزینه‌های معاملاتی فراوان، بازارهای سیاه مالی و کاهش رقابت و معیارهای رقابتی و عدم توانایی در هم‌پیوندی با بازارهای جهانی شده که در نهایت موجب عدم حضور فعال بخش خصوصی و پدیده فرار سرمایه‌ها به خارج و همچنین انجام سرمایه‌گذاری‌های کوچک و پراکنده داخلی در کالاهای سرمایه‌ای (مانند ماشین و ساختمان مسکونی) به جای تولید شده است. علیرغم این که در سال‌های اخیر دولت و به همراه آن نهاد‌های مالی، شروع به ایجاد حرکتی در جهت رفع مشکلات موجود کرده‌اند و این موضوع در قالب برنامه سوم توسعه به شکلی منظم پیش‌بینی شده، اما به طور کلی، ابزارهای مالی موجود محدود هستند و قوانین حاکم بر آنها شفاف نیست. بازارهای مالی ایران هنوز هم از یک بازار پول و سرمایه کارآمد و پویا برای تجهیز و تخصیص بهینه منابع

اگرچه برنامه‌های آزادسازی مالی، حذف کنترل‌های نرخ سود و دستیابی به نرخ سود واقعی، اثر مثبت و غیرقابل‌انکاری بر روی سپرده‌های بانکی و اعتبارات اعطایی توسط نظام بانکی خواهند داشت، اما به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، توافقی در مورد بهترین راهبرد برای رسیدن به این مقاصد وجود ندارد.

# آری نه

از سوی دیگر، بنگاه‌ها و واحدهایی وجود دارند که با قبول مخاطره زیاد از موقعیت استفاده کرده و حاضر به دریافت اعتبارات بانکی با نرخ بالا هستند. پروژه‌های این گونه بنگاه‌ها به علت دارا بودن ریسک زیاد، انتظار بازده بالاتری را می‌طلبند تا بتوانند سطوح بالاتر پرداخت‌های نرخ سود را پوشش دهند. در این صورت نیز احتمال عدم بازپرداخت وام در سر موعد افزایش خواهد یافت و در نتیجه، بسیاری از بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی ورشکسته خواهند شد.

تجربیات کشورهای در حال توسعه در بیش از دو دهه مؤید آن است که سیاست‌های نرخ سود بانکی و اصلاحات مالی باید در چارچوب برنامه‌های تعدیل اقتصادی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند. به نظر می‌رسد که اگر محیط اقتصادی بی‌ثبات (که به طور منفی بر سودآوری بخش خصوصی تأثیر می‌گذارد) و نظارت بانکی غیر موثر باشد، بهتر است که تعدیل در نرخ سود بانکی به تدریج صورت گیرد. در غیر این صورت، تغییر ناگهانی در سیاست‌های نرخ سود می‌تواند قراردادهای مالی درازمدت را از هم بگسلد. اگر دولت سیاست‌های اقتصادی قوی را دنبال می‌کند تا ثبات اقتصادی و تقویت مجدد بخش خصوصی را برقرار نماید، باید دقیقاً بر نظام بانکی نظارت کند تا خطر رفتاری را به حداقل برساند. سیاست‌های مربوط به مقررات و نظارت قوی بانکی نیز باید مورد تأکید واقع شوند، زیرا نه فقط آنها اعتبار و سلامت صنعت بانکداری را تضمین می‌کنند، بلکه همچنین چون آزادسازی نرخ‌های سود بدون آن بی‌حاصل است، لذا نظام بانکی می‌تواند به چند طریق تقویت شود. در کنار مقررات استاندارد برای کفایت سرمایه و نگهداری ذخایر در مقابل زیان وام‌ها، یک راه حل وجود دارد و آن هم اصلاح ساختار مالی نظام بانکداری است. بر حسب راهبردهای خاص نرخ سود، دو نوع وضعیت در نظام بانکداری متصور است: الف) در وضعیت تورم پایین، ب) در وضعیت تورم بالا. یک برنامه تدریجی از تعدیل نرخ سود که نرخ‌های واقعی مثبت را حفظ می‌کند، می‌تواند در کشورهای با تورم پایین ادامه یابد، به شرط آن که نظارت بانکی قوی و موثری اعمال شود و مدیریت تقاضا و سیاست‌های دیگر برای حفظ ثبات اقتصادی مناسب باشند.

در کشورهای با نرخ تورم بالا، یک برنامه تثبیت معتبر و قوی و یک مجموعه مقررات احتیاطی قوی عموماً بهترین اقدامات سیاستی اولیه بشمار می‌روند. به تعویق انداختن حذف مقررات مربوط به نرخ‌های سود تا موقتی که وضعیت پولی تثبیت و نظارت بانکی تقویت شود، می‌تواند مناسب باشد.

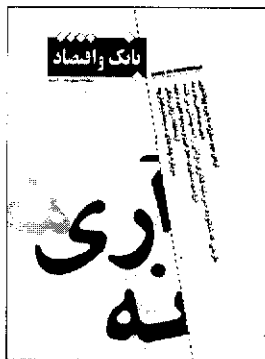
شواهد تجربی مؤید آن است که کشورهای موفق، سیاست تثبیت قیمت‌ها را با انعطاف‌پذیری نرخ‌های سود رسمی (اگر چه کماکان تحت مقررات) ترکیب نموده‌اند. زمانی که نرخ‌های سود افزایش می‌یابند، می‌بایست این افزایش از پیش اعلام شده

باشد، به طوری که قراردادهای اعتبار و وام بتوانند مجدد مورد ارزیابی و مذاکره قرار گیرند. در شرایطی که کشور دچار نرخ تورمی بالا است و سیستم بانکی هم اقدام به تعدیل نرخ سود بانکی می‌کند، نظام بانکی می‌تواند سیستم کنترل‌های احتیاطی روی بخش بانکی را تقویت کند و دولت یک برنامه تثبیت معتبر و قوی را اجرا کند تا بخش خصوصی را به حرکت وادارد. شکست در ادغام و اجرای کامل چنین سیاست‌هایی در برنامه‌های آزادسازی مالی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی مالی شود و آن هم به نوبه خود می‌تواند بی‌ثباتی اقتصادی را تشدید نماید. در این زمینه اگر نرخ‌های سود خارج از کنترل باشند (احتمالاً به علت مشکل شدید خطر رفتاری که از طریق مقررات احتیاطی موجود کنترل نشده است) ضروری است که به شرایط نرخ‌های بهره رسمی تحت مقررات رجوع و نرخ‌های مثبت حفظ شوند. اعمال مقررات روی نرخ‌های وام‌دهی می‌تواند بعد از اعاده اعتماد به نظام بانکی (یک مجموعه متناسب از مقررات احتیاطی نقش مهمی را بازی خواهد کرد) و به بارنشستن سیاست‌های مربوط به تثبیت قیمت‌ها و بهبود وضعیت مالی بخش تجارت، حذف شود.

## بررسی دیدگاه‌ها درباره تعدیل نرخ‌های سود بانکی

در کشور ما به علت شرایط کنونی اقتصاد و مشکلات و تنگناهای موجود در راه گسترش زمینه‌های تولیدی، تجهیز کارآمد پس‌اندازهای خصوصی و هدایت آنها در مسیر فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا، می‌تواند به گسترش ظرفیت‌های تولیدی منجر شود و در نهایت، ضمن تأمین رشد اقتصادی، از تشدید فشارهای تورمی جلوگیری شود. لذا لازم است که با به کارگیری ابزارهای پولی مناسب، موانع موجود در مسیر سپرده‌گذاری افراد، خانوارها و بنگاه‌ها حتی المقدور مرتفع شود و زمینه‌های تشویق بیش‌ازپیش آنان فراهم آید. از عمده‌ترین کاستی‌ها و ضعف‌های موجود در ارتباط با جذب منابع سپرده‌ای در برخی از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، مساله پایین بودن نرخ سود بانک‌ها در مقایسه با شاخص تورم است، به طوری که طی سالیان متعددی در کشور، رشد تورم فراتر از نرخ سود سپرده‌های بانکی بوده و عملاً سود منفی به این سپرده‌ها تعلق گرفته است. اگرچه منطقی کردن نرخ‌های سود در سطح نظام بانکی یکی از خط‌مشی‌های اساسی برنامه‌های اول و دوم و سوم و چهارم توسعه بوده و می‌باشد و در سال‌های اخیر هم تلاش‌هایی در جهت کاهش نرخ تورم و افزایش نرخ‌های سود بانکی صورت پذیرفته است، لیکن منفی بودن نرخ سود واقعی، به ویژه سود سپرده‌های کوتاه‌مدت و یک‌ساله همچنان به قوت خود باقی است. البته وضعیتی که نرخ‌های سود واقعی در آن منفی باشد، مطلوب و پسندیده نیست و این موضوع نه فقط مورد

فقدان تعادل‌های بودجه‌ای دولت، تخصیص غیربهبوده منابع، به همراه سهمیه‌بندی اعتباری، آرایه تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی، مداخلات دولت و قوه مقننه در زمینه تعیین نرخ سود و تحمیل تسهیلات تکلیفی به نظام بانکی، از جمله مواردی هستند که بخش پولی اقتصاد را از انجام وظایف محوله باز داشته‌اند.



اقتصادی، شامل ابزارهایی برای مقابله با تنگناهای تولید و راه‌های گسترش استفاده از منابع است. اصولاً تکانه‌های عرضه که باعث عدم تعادل بین عرضه کل و تقاضای کل می‌شود، غالباً از طریق اتخاذ سیاست‌های نامناسبی که برای مقابله با تکانه، تقاضای کل را نسبت به نرخ رشد ظرفیت تولیدی اقتصاد گسترش می‌دهد، تشدید می‌شود. یک برنامه تعدیل اقتصادی، اثراتی مستقیم و مشخص بر روی سه متغیر کلان، یعنی نرخ رشد تولید واقعی (نرخ رشد اقتصادی)، نرخ تورم و تراز حساب جاری دارد. افزایش در نرخ‌های سود بانکی می‌تواند به صورت یک ابزار قوی به منظور تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی و همچنین جلوگیری از خروج سرمایه، عمل کند. یک افزایش مناسب در نرخ سود داخلی می‌تواند تقاضا برای معاملات خارجی را کاهش داده و از این طریق، فشار بر کسری تراز حساب جاری را کاهش دهد. از سوی دیگر، غیرواقعی و منفی بودن نرخ سودهای بانکی طی سالیان متمادی به عنوان یکی از عوامل عدم‌رشد قابل توجه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود و لذا هرگونه تلاش در جهت واقعی کردن این نرخ‌ها در کشور ایران مانند سایر موارد مشابه، نه تنها تورم‌زا نیست، بلکه می‌تواند به عنوان محرکی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری و تولید عمل کند.

از دیگر آثار مثبت تعدیل در نرخ سود سپرده‌های بانکی این است که می‌تواند بر نوسانات و رشد نرخ ارز که باعث افزایش مخاطره در اقتصاد می‌شود، جلوگیری کند. کاهش در ریسک اقتصادی نیز مطابق نتایج حاصله می‌تواند به کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری مورد نظر سرمایه‌گذاران بینجامد و از این طریق خود موجب تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد رشد اقتصادی شود و در نهایت، کاهش نرخ تورم و تأثیرات مثبت میان‌مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی حاصل می‌شود، به‌خصوص این که تورم اثرات منفی غیرقابل انکاری بر رشد اقتصادی می‌گذارد. از آنجایی که نرخ سود سپرده‌ها همواره تحت کنترل اداری بوده و متناسب با شرایط واقعی اقتصاد تبیین و تنظیم نشده، لذا عوامل بسیار دیگری هم چون تغییرات قیمت در بازار طلا و ارز، و قیمت کالاهای بادوام مانند اتومبیل و غیره و به عبارتی، هزینه فرصت نگهداری پول، میزان سپرده‌های سرمایه‌گذاری و پس‌انداز افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق مطالعات موجود، نرخ بازدهی منفی سپرده‌های بانکی، عامل اصلی کاهش تقاضا برای نقدینگی است. بنابراین، برای معکوس کردن روند کاهش تقاضای واقعی پول، اتخاذ سیاست منطقی برای مثبت کردن نرخ سود واقعی (نرخ سود منهای تورم) سپرده‌های بانکی ضروری است. این هدف از دو طریق قابل تحقق می‌باشد: ۱- کاهش نرخ تورم، ۲- افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی. بالابردن نرخ سود بانکی تا مرز نرخ تورم ممکن است

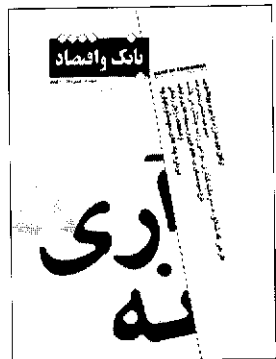
قبول مسوولان اقتصادی و بانکی کشور بوده، بلکه هر فرد متخصص در علم اقتصاد و علوم بانکی نیز مدافع آن است، اما پرسش این است که چگونه و از چه طریقی می‌توان به نرخ‌های سود واقعی مثبت دست یافت؟ بدیهی است که ساده‌ترین راه دستیابی به آن، افزایش نرخ‌های اسمی سود است. این راه حل در عین سادگی و امکان‌پذیری، مجموعه‌ای از پیامدهای منفی را به دنبال دارد و به همین علت است که مسوولان اقتصادی کشور در شرایط اقتصادی موجود با افزایش نرخ‌های رسمی سود مخالفت می‌ورزند، نه از آن جهت که وضعیت موجود مطلوب ارزیابی می‌شود. تبعات ناشی از افزایش نرخ‌های اسمی سود بانکی صرفاً با ملاحظه نرخ تورم به قرار زیر است:

الف) مغایرت با مفاد قانون عملیات بانکداری بدون ربا، از لحاظ عدم جواز برای تعیین هرگونه نرخ سود.  
ب) تشدید رشد سطح عمومی قیمت‌ها.  
پ) افزایش هزینه‌های تولید (فشار هزینه).  
ت) افزایش بی‌رویه نقدینگی بخش خصوصی (تورم ناشی از فشار تقاضا).

به هر حال، شاید بهترین توجیه برای اتخاذ سیاست نرخ سود بالا (نرخ سود مثبت و منطقی) در کشورهای در حال توسعه، از اثر کمبود منابع مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری خصوصی ناشی شده باشد. نتیجه سیاست‌هایی که نرخ سود را به طور مصنوعی در سطح پایین تعیین می‌کنند، همانا محدود شدن عرضه منابع مالی و فزونی تقاضا برای سرمایه‌های مالی و نهایتاً عدم رونق واسطه‌گری مالی است. دارایی‌های واقعی از دارایی‌های غیرمولد مانند پول و طلا و ارز و یا از طریق بازگشت سرمایه‌هایی که در خارج از کشور سرمایه‌گذاری شده است، تحقق خواهد یافت، لیکن برخی از منتقدان اعتقاد دارند که نمی‌توان با قاطعیت اذعان داشت که سپرده‌ها جانشین نزدیک‌تری برای دارایی‌های غیرمولد در مقایسه با کالاهای سرمایه‌ای باشند، بلکه ممکن است اثر مطرح‌شده در این نظریه آنچنان قوی نباشد که بتواند کاهش تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای را جبران کند، لیکن مطالعات تجربی انجام‌شده علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه بر فایده بودن این اثر و افزایش فرآیند پس‌انداز - سرمایه‌گذاری در نتیجه افزایش نرخ سود به واسطه محدودیت منابع مالی تأکید می‌ورزند. بنابراین، با پذیرش فرض کمبود منابع مالی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه از جمله در ایران، می‌توان انتظار داشت که افزایش در نرخ سودهای بانکی بتواند از طریق اثر مثبت «مکینون - شاو» سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

تغییر در نرخ‌های سود بانکی، از نقطه نظر سیاست‌های تعدیل اقتصادی نیز قابل تامل است. برنامه‌های تعدیل

نتیجه سیاست‌هایی که نرخ سود را به طور مصنوعی در سطح پایین تعیین می‌کنند، همانا محدود شدن عرضه منابع مالی و فزونی تقاضا برای سرمایه‌های مالی و نهایتاً عدم رونق واسطه‌گری مالی است.



تبعات منفی برای استحکام بانک‌ها داشته باشد. افزایش شدید و ناگهانی نرخ سود بانکی از یک طرف هزینه‌های جذب پس‌انداز را بالا می‌برد و از سوی دیگر، موجب افزایش سهم وام‌های مشکوک‌الوصول و اعاده‌ناپذیر به کل پورتفولیوی وام سیستم بانکی می‌شود. لذا توصیه می‌شود که با اتخاذ تدابیر مالی و پولی مناسب، نرخ تورم تدریجاً کاهش یابد و با افزایش نرخ سود بانکی بر کلیه سپرده‌ها به مقدار چند درصد در سال‌های آتی مشکل منفی بودن نرخ واقعی سود سپرده‌ها برطرف شود. برای تسهیل این امر لازم است که تسهیلات جدید با نرخ‌های متغیر در طول زمان اعطا شوند. تلفیق سیاست افزایش اندک سود سپرده‌ها و تسهیلات، و ادامه روند کاهش تدریجی نرخ تورم، نیاز به استفاده از سیاست‌ها و تکنیک‌های سنگین را رفع می‌کند و هزینه‌های اجتماعی کاهش نرخ تورم را مرتفع می‌سازد.

برای بهبود عملکرد نظام بانکی در تخصیص اعتبارات چند نکته مهم باید مورد توجه و امان نظر قرار گیرند:

۱- منطقی کردن نرخ سود تسهیلات اعطایی از سوی سیستم بانکی، خصوصاً آن دسته از تسهیلاتی که به صورت یارانه‌ای توزیع می‌شوند، از طریق مثبت‌کردن نرخ سود تسهیلات (نرخ‌های پایین اعتبار) با توجه به شرایط تورمی اقتصاد، هزینه تسهیلات را کاهش می‌دهد، در صورتی که به خاطر کمبود منابع سرمایه‌ای، هزینه اجتماعی سرمایه در اقتصاد کشور ما پایین نیست، بلکه ارزان بودن اعتبارات برای آن دسته از وام‌گیرندگان که دسترسی به نظام بانکی دارند، موجب بروز انگیزه برای اسراف در هزینه کردن سرمایه می‌شود.

۲- حذف نرخ‌های متنوع و متعدد در آرایه اعتبارات بانکی و به کاربردن یک نرخ برای تمام مصارف. چنانچه دولت برای تشویق فعالیت‌های اقتصادی تمایل به پرداخت یارانه به بخش‌های دارای اولویت دارد، بهتر است که این کمک‌ها، به صورت شفاف در بودجه دولت منظور شوند. بدین صورت، بخش‌های مورد نظر کمک‌های مالی را دریافت می‌کنند، بدون آن که در قیمت‌گذاری اعتبارات ناهنجاری ایجاد شود. هم چنین تبصره‌ها و تسهیلات تکلیفی که درجه آزادی نظام بانکی برای تخصیص سرمایه را کاهش می‌دهند، بایستی به تدریج حذف شوند و سازوکارهای بودجه‌ای جانشین آنها شود.

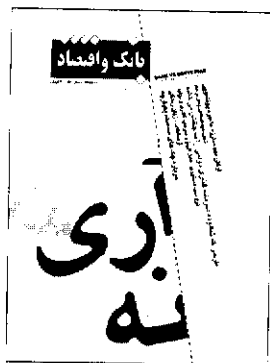
۳- باید با قانونمند کردن و ایجاد و گسترش موسسات اعتباری غیربانکی، زمینه برای رقابت بیشتر در بازار مالی ایجاد شود. این امر می‌تواند به کارایی بازار پول و سرمایه کمک قابل توجهی بنماید.

### خلاصه و جمع‌بندی

ناهمگونی، فعال نبودن و عقب‌افتادگی بخش مالی اقتصاد

ایران را می‌توان از طریق برخی شاخص‌های کلی اقتصادی نمایش داد. اطلاعات در دسترس از ساختار بازارهای مالی ایران و مقایسه اختلاف میان عرضه و تقاضای وام در بخش رسمی بازارهای مالی، از یک سو، و مقایسه تفاوت میان نرخ‌های سود در دو بخش رسمی و غیررسمی بازارهای مالی از سوی دیگر، می‌تواند وجود و شدت ناهمگونی بازارهای مالی ایران را به نمایش بگذارد. این عدم‌همگونی دلایل زیادی دارد و یکی از آن‌ها پایین بودن نرخ بهره یا سود برای سپرده‌گذاران بانک‌هاست. این مساله باعث می‌شود تا آن بخش از سپرده‌گذارانی که مخاطره‌پذیرند، منابع مالی خود را به بخش غیررسمی منتقل کنند و لذا در زمان‌هایی که نرخ بهره واقعی بانک‌ها منفی است، بازارهای غیررسمی به شدت گسترش می‌یابند. انعطاف بازارهای مالی غیررسمی در مورد نرخ بهره، نوع و میزان وثیقه و شرایط بازپرداخت نیز یکی از عوامل مهم گسترش و روی‌آوری به این بازارهاست، زیرا در این بازارها، نرخ‌ها و شرایط بسیار متنوعی اعمال می‌شود و هر متقاضی بسته به امکاناتش می‌تواند ترکیب‌های گوناگونی از نرخ بهره، وثیقه و بازپرداخت را انتخاب کند. عدم‌نظارت بر مصرف اعتبار، عدم‌نیاز به آماده‌سازی قبلی پروژه‌ها و عدم‌نیاز به پنهان‌کاری نیز از جاذبه‌های مهم بازارهای مالی غیررسمی هستند. بازارهای رسمی ایران گاه شرایط سخت و پرهزینه‌ای را در این موارد اعمال می‌کنند که نرخ‌های بهره پایین را جبران می‌کنند. از همه مهمتر، عدم‌زمان‌بری در بازارهای غیررسمی نیز جاذبه شدیدی را برای این بازارها ایجاد می‌کند. امکان قرار مالیاتی هم یکی از عوامل مهم روی‌آوری به بازارهای غیررسمی است. این مساله در کشوری مثل ایران که فاقد سیستم مالیاتی پیشرفته‌ای است، تاثیر مهمی بر گسترش بازارهای غیررسمی دارد. به طور کلی، افزایش تفاوت میان این دو بازار می‌تواند ناشی از مخاطره، کمبود سرمایه (عرضه) و سود انحصاری باشد. در ایران بسترها و زمینه‌های لازم برای کارکرد و توسعه نظام مالی کارا فراهم نیست. فقدان شفافیت در حقوق مالکیت، وجود مقررات دست‌وپاگیر و غیرشفاف، فقدان مقررات کافی به منظور نظارت، حسابداری و حساب‌پذیری و انضباط مالی، فقدان اطلاعات صحیح و بهنگام در مورد متغیرهای مهم مالی، وجود اغتشاش در نظام قیمت‌ها، از جمله نرخ سود و فقدان ابزار لازم برای تنظیم موثر بازار و همچنین وجود انحصارات متعدد موجب شده‌اند که نظام مالی نقش کارا در اقتصاد نداشته باشد و در نتیجه، موجب ایجاد مخاطره زیاد برای سرمایه‌گذاری‌ها، هزینه‌های معاملاتی فراوان، بازار سیاه مالی و کاهش رقابت و معیارهای رقابتی و عدم‌توانایی در هم پیوندی با بازارهای جهانی گردیده که در نهایت موجب عدم‌حضور فعال بخش خصوصی و پدیده فرار سرمایه‌ها به خارج و همچنین انجام

نرخ بازدهی منفی سپرده‌های بانکی، عامل اصلی کاهش تقاضا برای نقدینگی است. بنابراین، برای معکوس کردن روند کاهش تقاضای واقعی پول، اتخاذ سیاست منطقی برای مثبت‌کردن نرخ سود واقعی (نرخ سود منهای تورم) سپرده‌های بانکی ضروری است.



فعالیت می‌کنند و حاضرند اعتبارات بانکی با نرخ بالا دریافت نمایند، طبعاً پروژه‌های اینگونه بنگاه‌ها به علت دارا بودن مخاطره زیاد، انتظار بازده بالاتری را می‌طلبند تا بتواند سطوح بالاتر پرداخت‌های نرخ سود را پوشش دهد. در این صورت نیز احتمال عدم بازپرداخت وام سرمورد افزایش خواهد یافت و در نتیجه، بسیاری از بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی ورشکسته خواهند شد.

۵- در کشورهایی که با نرخ پایین تورم مواجهند، اتخاذ یک برنامه تدریجی از تعدیل نرخ سود که نرخ‌های واقعی مثبت را حفظ می‌کند، می‌تواند ادامه پیدا کند، به شرط آن که نظارت بانکی قوی و موثری اعمال شود و مدیریت تقاضا و سیاست‌های دیگر برای حفظ ثبات اقتصادی مناسب باشند.

۶- در کشورهایی که با نرخ تورم بالا مواجهند، اتخاذ یک برنامه تثبیت معتبر و قوی و یک مجموعه مقررات احتیاطی قوی عموماً بهترین اقدامات سیاسی اولیه است. به تعویق انداختن سیاست حذف مقررات مربوط به نرخ‌های سود تا موقعی که وضعیت پولی تثبیت شده و نظارت بانکی تقویت شود، می‌تواند مناسب باشد.

۷- قانونمند کردن و ایجاد و گسترش موسسات اعتباری غیربانکی، زمینه را برای رقابت بیشتر در بازار مالی ایجاد می‌کند و می‌تواند به کارایی بازار پول و سرمایه منجر شود.

۸- و بالاخره لازم است که با به کارگیری ابزارهای پولی مناسب، موانع موجود در مسیر سپرده‌گذاری افراد، خانوارها و بنگاه‌ها حتی‌المقدور مرتفع شود و زمینه‌های تشویق آنان بیش از پیش فراهم آید. ■

### فهرست منابع و مآخذ

- ۱) رناتی، محسن / بازار یا نابازار، بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران / سازمان برنامه و بودجه / چاپ اول / تهران / ۱۳۷۶.
- ۲) پیشنهاد خطوط اساسی سیاست‌های اقتصادی کشور / سازمان برنامه و بودجه / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / فروردین ۱۳۷۷.
- ۳) پیش‌نویس گزارش بانک جهانی پیرامون بازار پول و سرمایه در ایران / ترجمه حسن مهدیزاده / مجله تدبیر / شماره ۴۲ / خرداد ۱۳۷۳.
- ۴) سام دلیری، یونس / موانع و مشکلات بازارهای مالی در ایران / نامه اتاق بازرگانی / شهریورماه ۱۳۷۸.
- ۵) دلقندی، دکتر سیدابوالفضل / بررسی نارسایی‌های ساختاری مالی بانک‌های کشور / موسسه تحقیقات پولی و بانکی / پژوهشکده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / اردیبهشت ۱۳۷۸.
- ۶) قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹ کل کشور.
- ۷) تحلیلی بر لزوم افزایش نرخ‌های سود بانکی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / اداره بررسی‌های اقتصادی / دایره پولی و بانکی / بهمن ۱۳۷۸.

سرمایه‌گذاری کوچک و پراکنده داخلی در کالاهای سرمایه‌ای (مانند ماشین‌آلات و ساختمان مسکونی) به جای تولید گردد. از سوی دیگر، طبق مطالعات موجود، نرخ بازدهی منفی بر سپرده‌های بانکی، عامل اصلی کاهش تقاضا برای نقدینگی است. بنابراین، برای معکوس کردن روند کاهش تقاضای واقعی پول، اتخاذ سیاست منطقی مثبت کردن نرخ سود واقعی سپرده‌های بانکی ضروری است و به نظر می‌رسد که این هدف از طریق کاهش نرخ تورم و افزایش سود سپرده‌های بانکی میسر باشد.

از عمده‌ترین کاستی‌ها و ضعف‌های موجود در ارتباط با جذب منابع سپرده‌ای در ایران، مساله پایین بودن نرخ بهره بانکی‌ها در مقایسه با شاخص تورم است. تغییر در نرخ‌های سود بانکی، از نقطه نظر سیاست‌های تعدیل اقتصادی نیز قابل تأمل است. به علاوه، تعدیل در نرخ سود سپرده‌ها اثرات مستقیم و مشخص بر روی سه متغیر کلان نرخ رشد تولید واقعی، نرخ تورم و تراز حساب جاری خواهد داشت. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که تلاش در جهت واقعی کردن نرخ سود بانکی نه تنها تورم‌زا نیست، بلکه می‌تواند به عنوان محرکی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری و تولید بشمار رود.

از نتایج مهم دیگر این مطالعه، تاثیر افزایش نرخ سود سپرده‌ها بر نرخ ارز است و این امر به معنی آن است که از طریق تعدیل در نرخ سود سپرده‌ها، می‌توان بر نوسانات و رشد نرخ ارز که باعث افزایش ریسک در اقتصاد می‌شود، فایده آید. کاهش ریسک اقتصادی نیز مطابق نتایج حاصله می‌تواند به کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری مورد نظر سرمایه‌گذاران (داخلی و خارجی) بینجامد و از این طریق خود موجب تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد رشد اقتصادی شود، و در نهایت، کاهش نرخ تورم و تاثیرات مثبت میان‌مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی و تولید خواهد داشت و بالاخره این که برای بهبود عملکرد نظام بانکی در تخصیص اعتبارات، چند نکته مهم زیر باید مورد توجه و اطمینان نظر قرار گیرند:

۱- منطقی کردن نرخ سود تسهیلات اعطایی از سوی نظام بانکی، خصوصاً در مورد آن دسته از تسهیلاتی که به صورت یارانه‌ای توزیع می‌شوند.

۲- حذف نرخ‌های متنوع و متعدد در آرایه اعتبارات بانکی و به کاربردن یک نرخ برای تمام مصارف.

۳- باید توجه داشت که اتخاذ سیاست تعدیل نرخ سود بانکی در جهت افزایش نرخ‌ها، نباید به گونه‌ای باشد که به خصوص شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که با ریسک پایین فعالیت دارند، از گردونه فعالیت‌های اقتصادی خارج شوند و در بلندمدت موجب آرایه خدمات بانکی نامطلوب در اقتصاد شود.

۴- از سوی دیگر، بنگاه‌ها و واحدهایی که با ریسک زیاد

افزایش نرخ سودهای بانکی می‌تواند به صورت یک ابزار قوی به منظور تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی و همچنین جلوگیری از خروج سرمایه عمل کند.

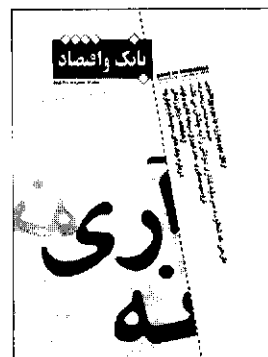
11) Financial Liberalization in Developing Countries/ by Michael Dooley & Donald Mathieson/ Finance & Development September, 1987.

12) Mirakhor, Abbas and Villanueva, Delanol / Interest Rate Policies in Developing Countries / IMF & WB / Finance & Development / Vol 3 No. 4 / Dec 1993.

۸) دهمین سمینار بانکداری اسلامی، با همکاری شبکه بانکی کشور / ۱۰ و ۱۱ شهریورماه ۱۳۷۸ / موسسه عالی بانکداری ایران / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۹) نماگرهای اقتصادی، سالهای مختلف / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۱۰) ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف.



مدیرعامل بانک ملی ایران:

## درک شفاف و روشنی درباره تبعات کاهش نرخ سود بانکی وجود ندارد

تهیه و تنظیم: ژیلای علیزاده



▶ دکتر سیف: کاهش نرخ سود تسهیلات، بدون تغییر در نرخ سود سپرده گذار، غیرممکن است.

ولی‌الله سیف، مدیرعامل بانک ملی ایران در جمع اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و برخی از فعالان اقتصادی در بخش خصوصی کشورمان گفت: درک شفاف و روشنی از تبعات کاهش نرخ سود بانکی که در مجلس به عنوان منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی مطرح است، وجود ندارد.

وی سپس به بررسی موضوع کاهش نرخ سود بانکی از چند منظر پرداخت و گفت: اول، از نظر قانون بانکداری بدون ریاست که مبنای رابطه بین سپرده گذار، بانک و گیرنده تسهیلات است، در این نظام، بانک، واسطه و وکیل سپرده گذار است و منابع سپرده گذاران را در عقود اسلامی با رعایت مصالح اقتصادی به کار می‌برد و تمام سود هم به‌طور مشاع متعلق به سپرده گذار است و بانک نیز کارمزد و یا حق الوکاله خود را دریافت می‌کند.

وی افزود: کاهش نرخ سود تسهیلات بدون تغییر در نرخ سود سپرده گذار غیرممکن است، زیرا این رابطه یک رابطه کاملاً مستقیم است و همان چیزی که در عقود اسلامی حاصل می‌شود، عیناً متعلق به سپرده گذار است و این رابطه به هیچوجه قابل قطع کردن نیست.

سیف در تبیین بررسی خود از منظر دوم گفت: توجه به شرایط موجود نیز مهم است، زیرا در این شرایط، صاحبان

صنایع و فعالان اقتصادی به هیچوجه مصلحتشان در کاهش نرخ سود نیست، و اگر بین دو مشکل بخواهیم اولویت قابل شوییم، اولویت اول به مشکل نقدینگی برمی‌گردد و خیلی از واحدهای صنعتی، به علت عدم نقدینگی و نداشتن سرمایه در گردش نمی‌توانند در حد ظرفیت اسمی‌شان کار کنند. به همین علت، مراجعات فراوانی به بانک‌ها وجود دارد که بانک‌ها نمی‌توانند پاسخگو باشند، زیرا منبعی وجود ندارد و کل منابعی که ایجاد کرده‌اند، صرف اعطای تسهیلات شده است.

وی ادامه داد: یکی از انتقاداتی که از سوی فعالان اقتصادی به بانک‌ها می‌شود، این است که چرا بانک‌ها بوروکراسی دارند و از اعطای تسهیلات طفره می‌روند؟ علت آن صف‌های طولانی

در شرایطی که عدم تعادل وجود دارد و تقاضای تسهیلات بسیار بیشتر از عرضه آن است، پایین آوردن نرخ سود بانکی به تقاضاها دامن می‌زند که می‌تواند منشأ فساد اقتصادی باشد.